

کتاب ارزشمند و نایاب پیام اوران گیهان

وبلاگ دنیای اسرار آمیز

www.ufolove.wordpress.com



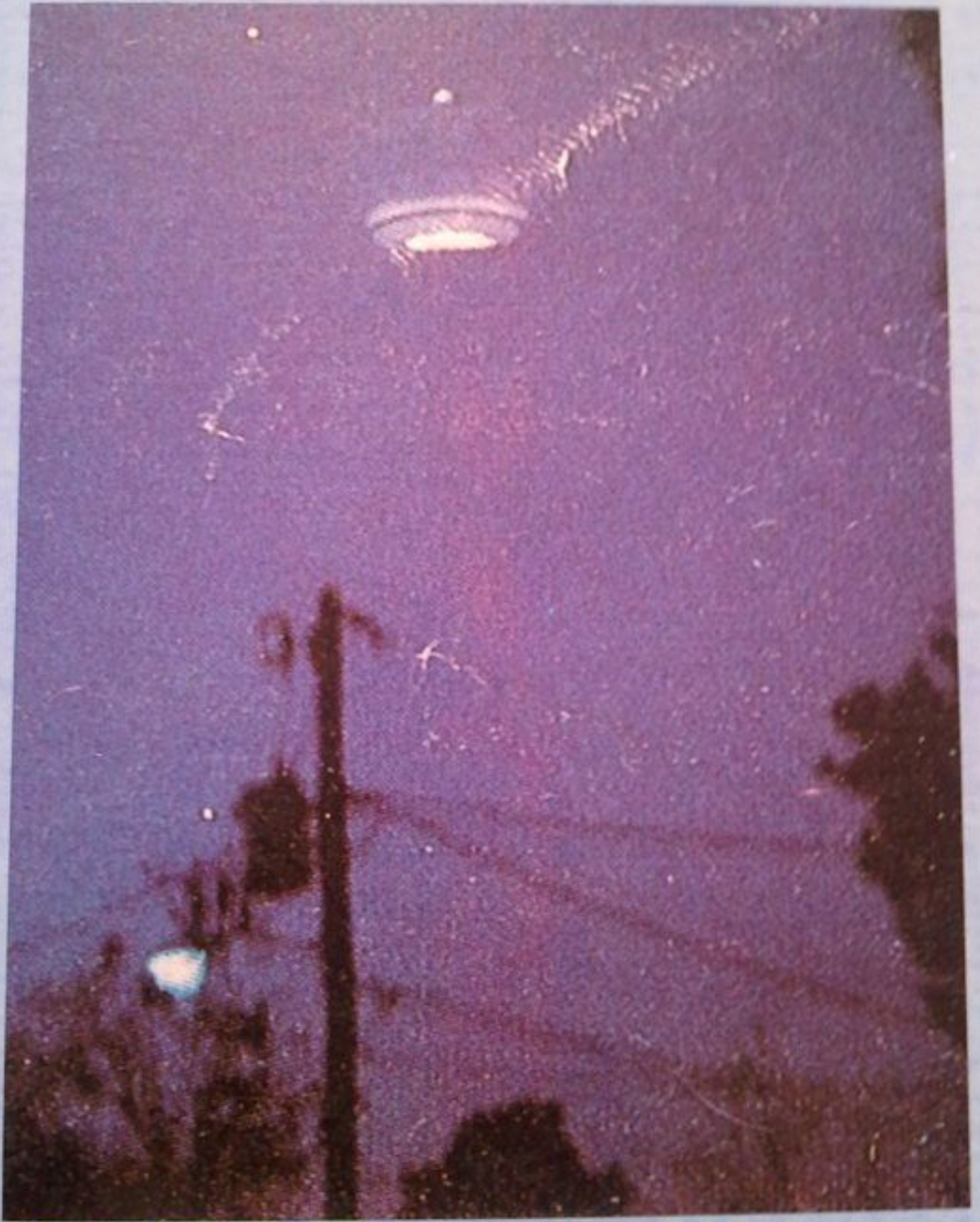
صفحه فیسبوک دنیای اسرار آمیز

[HTTP://WWW.FACEBOOK.COM/BLOG.UFOLOVE](http://www.facebook.com/blog.ufolove)

یا تشکر فراوان از دوست عزیزم رضا که این کتاب را تهیه و در اختیار بنده قرار

دادند.

پیام آوران کھپسان



دکتر وارث ادیب

فهرست

۹	پیش گفتار
۲۹	بر خوردی در آسمان (از تیموتی گود)
۵۷	نیاز؟
۸۳	حادثه کلورادو
۹۹	ابعاد بیگانگان
۱۳۳	سخت افزار
۱۵۹	پروژه آکواریوس
۱۹۷	سرزمین رویاها
۲۲۳	تکنولوژی بیگانگان
۲۵۱	کانتینرها (Containers)
۲۶۹	سفر فضایی

بخش دوم

۳۰۳	یاد آوری
۳۲۵	«چهره»
۳۵۱	ملاقات خانگی بیگانگان
۳۷۷	ملاقات های سری

۳۹۳
۴۱۷
۴۴۵

۴۸۵
۴۸۷
۵۰۵
۵۲۷
۵۴۳
۵۵۷
۵۹۵
۶۲۱
۶۵۷
۶۶۷

معجزه های علمی
دیداری از شیرخوارگاه
بازگشت از اوز (OZ)
یوافاو و اوجی ای ها
تفسیر واژه ها
پیش درآمدی به باور نکردنی ها
حادثه مریدن
حادثه هیگانوم
پس گفتار
ناظران
آناتومی يك پدیده
پیام
نظریات پایانی (نهانی؟)
نامه ای به بتی (اندرسون) کوکا

پیشگفتار

در ابتدا تصمیم داشتم کتاب ناظران (The Watchers) همانطور که ریموند فاولر^۱ آن را نوشته بود به فارسی برگردانده و در دسترس پژوهندگان اسرار خلقت و علاقمندان تحقیق درباره‌ی «پدیده یواف او» قرار دهم. این کتاب که در نوع خود قطعاً بی نظیر است، دنباله‌ی دو کتاب قبلی این نویسنده درباره ماجراهای حیرت‌انگیز خانم بتی اندریسون^۲ (بعدها لوکا^۳) بنام «ماجرای بتی اندریسون^۴» فاز اول، فاز دوم برشته تحریر درآمده. ماجرائی که بیش از یک دهه در غرب جنجال به پا کرده و مقالات، تفسیرها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی درباره آن تهیه شده. شما هم پس از مطالعه آن با من هم عقیده خواهید بود که این حقیقتاً عجیب‌ترین کتابی است که تا به حال نوشته شده. البته اظهار نظری چنین، ادعائی است بسیار بزرگ که می‌باید آن را ثابت نمود و قصد من نیز همین است. اما با توجه به این که در ایران ما از مباحث مربوط به پدیده یواف او بسیار دور هستیم و اکثر خوانندگان اطلاعات چندانی در این مقوله ندارند و اگر هم دانسته باشند بیشتر آمیخته با تمسخر و ناباوری است تصمیم گرفتم در ابتدای کتاب مباحثی از

1. Raymond Fowler

2. Betty Andreason

3. Luca

4. Andreason Affair

کتاب بسیار مستدل «رابطه با بیگانگان»^۱، اثر تیموتی گود^۲، چاپ بهار ۱۹۹۱ را به منظور دادن آگاهی در جنبه‌های مختلف پدیده یواف او به نظر خوانندگان محترم برسانیم. برای احتراز از طول کلام بیش از حد بنا به تشخیص خود قسمت‌هایی را از هر دو کتاب که اکثراً تکراری و یا مطالب خسته کننده بوده‌اند حذف نموده‌ام اما در بازگو کردن اهم مطالب کاملاً به بازگرداندن عین نوشته‌های دو کتاب وفادار بوده‌ام.

تیموتی گود نویسنده کتاب «رابطه با بیگانگان» به حق می‌گوید: «بقدری این مبحث پیچیده و دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف است که هرگز يك تئوری مشخص قادر به پاسخ‌گویی به تمام پدیده‌های گاه متضاد ولی بهر حال هزار چهره‌ای که ناظر آن هستیم نمی‌باشد». بنابراین او فقط درباره مسائلی صحبت می‌کند که می‌تواند با بهره‌بری از اسناد و مدارك و گفته‌های شهود معتبر آنها را اثبات کند و یا بزعم خود «پرده از بسیاری رازها» در این رابطه بردارد. آنچه که او سعی به اثبات آن دارد (اگر درست باشد) ضمن این که می‌توان آن را عجیب‌ترین راز تاریخ بشریت نامید، قطعاً آینده تمدن بشری را دچار تحولی اساسی خواهد ساخت. در طی این چند ماه که از چاپ این کتاب می‌گذرد در اکثر کشورهای غربی (بخصوص آمریکا و کانادا) برنامه‌های تلویزیونی برای بحث و اظهار نظر کارشناسان امور قضائی، طب و مهندسی ژنتیک و غیره ترتیب یافته است.

از سونی دیگر، همان‌طوری که عنوان شد خانمی میانسال وجود دارد که شرح ماجراهای او يك دهه تمام فکر دانشمندان علوم پایه و قضائی و حتی روحانیون مسیحی را بخود مشغول داشته. بقول وایتلی استریبر^۳ (که دو کتاب در زمینه ماجراهای ربوده شدنش توسط سرنشینان یواف او نوشته و هر دو در صدر پرفروشترین کتب سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ قرار داشته‌اند و کتاب اول او تخت عنوان «اسرار بشقابهای پرنده» توسط اینجانب بفارسی برگردانده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.) کتاب

ماجرای بتی اندریسون «حقیقتاً یکی از عجیب‌ترین کتبی است که تا به امروز در تاریخ چاپ کتاب نوشته شده. در این کتاب درباره جنبه دیگری از پدیده یواف او، یا ادعای حیرت‌انگیز افرادی که می‌گویند «توسط سرنشینان یواف او بدون موافقت یا میل باطنی خود ربوده شده‌اند» بحث شده.

در کتاب «اسرار بشقابهای پرنده» دلایل علاقه و اعتقاد خود را به مبحث جنجال برانگیز یواف او و تصمیم به ترجمه، تالیف و چاپ کتبی در این زمینه باطلاع شما خوانندگان عزیز رسانیده‌ام که از تکرار آن دلایل و توصیف مجدد ماجرا خودداری می‌کنم. به خوانندگانی که کتاب «اسرار بشقابهای پرنده» را مطالعه فرموده‌اند توصیه می‌کنم که برای آگاهی عمیق‌تر درباره پدیده «ربوده شدن به جبر^۱»، احساسات و نگرانی‌های قربانیان این ماجراها که توسط نویسنده زبردست آمریکائی وایتلی استریر برشته تحریر درآمده حتماً این کتاب را مطالعه کنند. در کتاب «اسرار بشقابهای پرنده» گرچه ما با سوابق و زمینه‌های باستانی دیدار موجودات فرازمینی^۲ و دلایل احتمالی آنها برای سفر به سیاره زمین آشنا می‌شویم ولی آنچه که بتی لوکا (اندریسون) از قول آنها برای ما نقل می‌کند و آنچه را که او «پیام موجودات فرازمینی به ما انسانها» می‌خواند مکاشفه‌ای دیگر است.

ریموند فاوئر، نویسنده کتاب «ناظران» مدت بیست و پنج سال از عمر خود را صرف تحقیق درباره پدیده یواف او کرده و در آمریکا بعنوان کارشناس طراز اول این مبحث (یوفولوژی^۳) شناخته می‌شود. او دریافت‌کننده جایزه برای بهترین کتاب در مورد یوفولوژی در سال ۱۹۸۶ از طرف سازمان جهانی میوجوال یواف او نت وورک^۴ می‌باشد. فاوئر بیش از یازده سال بتی اندریسون، خانمی که تا بحال سه کتاب درباره خاطراتش از برخوردهائی با یواف اوها نوشته همکاری داشته است. حسن شهرت فاوئر

1. Abduction

2. Extra-Terrestrial Entity

بیشتر بدین دلیل است که بر خلاف اکثر افرادی که در باره پدیده یواف او مطالعه و کتاب می نویسند، گزارشهای شهود و قربانیان ماجراها را بطور سیستماتیک و در جهت اثبات و تطبیق با نظریات شخصی خود تغییر نمی دهد یا قسمتهائی از آن را حذف نمی کند. او این شهادت را دارد که تمام گفته های بتی را عیناً نقل نماید. بقول وایتلی استرپر «فاولر برای کسب اعتبار بیشتر گفته های بتی را تحریف نمی کند». نتیجه زحمات وی کتابی است که واقعیت حیرت انگیز پدیده ای بس غیرعادی را بزبانی شیرین بیان نموده. مسلماً نظریات او بدور از انتظارات شدید گروه های مختلف، منجمله افرادی که عقیده دارند «بیگانگانی از فضای دوردست به کره زمین می آیند تا اعمالی را انجام دهند که تا حدودی برای ما هم قابل درک است» نخواهد بود.

بنظر اینجانب دو کتاب «رابطه با بیگانگان» و «ناظران» مکمل یکدیگر هستند. در سالهای اخیر تحت قانون آزادی اطلاعات^۱ (FOIA)، در آمریکا هزاران مدرک یکباره در اختیار محققین قرار گرفت. این اسناد سازمانهائی مانند، سازمان انرژی اتمی، سازمان سیا، اداره ضد اطلاعات، دفاع ملی، وزارت کشور، سازمان اف بی آی (پلیس فدرال آمریکا)، سازمان امنیت ملی، ادارات جاسوسی نیروهای هوایی، دریائی و زمینی ارتش آمریکا، طی چندین دهه گردآوری نموده بودند.

سالها پیش (حدود ۱۹۵۲ میلادی) رئیس سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، والتر بدل اسمیت^۲ اظهار نظر کرد که لازم است از «چندین طریق» برای حل این مسئله تلاشهایی آغاز شود. او می نویسد «به نظر من وضعیت موجود می تواند پیامدهائی جدی برای امنیت ملی آمریکا داشته باشد، که از حدود وظائف و امکانات یک سازمان دولتی فراتر می رود». او ضمن نوشتن این مطلب به دبیر کمیته ملی امنیت آمریکا اضافه می کند که «یک تلاش همه جانبه و هماهنگ برای درک و توجیه علمی چندین پدیده که در این گزارش ها مکرراً دیده شده کاملاً ضروری است». اصولاً این واقعیت که تحقیقاتی

1. Freedom of Information Act

2. Walter Bedell Smith

توسط سازمان های دولتی در مورد پدیده یوفاو انجام می گرفته ولی همیشه بطور رسمی تکذیب شده (منهای چند مورد) و هنوز نیز هزاران سند دیگر را به بهانه محرمانه بودن افشا نکرده اند، همه اینها ثابت می کنند، که تا چه حد این مسئله با اهمیت تلقی شده است.

تیموتی گود در کتاب قبلی خود با عنوان «بالتر از فوق سری»^۱ سعی بر آن داشت که ثابت کند، که بدون شك تلاشی گسترده در جریان است تا اسرار بشقابهای پرنده را از اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی تا کنون از نظر عموم مخفی نگاه دارند. او سعی دارد با کتاب جدیدش «رابطه با بیگانگان» ما را یکقدم بیشتر به حقیقت مطلب نزدیک کند. او با افشای چندین مدرک جنجال برانگیز می خواهد ثابت کند که یوفاوها اولاً منشاء «فرازمینی»^۲ دارند و ثانیاً چندین فروند از این نوع سفینه فضائی در آمریکا موجود است که حتی مورد بررسی های علمی و پروازهای آزمایشی نیز قرار گرفته! حیرت انگیزتر از این ادعا افشای رازی است مبنی بر اینکه اجساد چندین موجود فرازمینی در آمریکا نگهداری می شوند که مورد کالبدشکافی و تحقیق دانشمندان آمریکائی قرار گرفته اند و بنحوی نیز با فرازمینی ها روابطی در سطح رسمی (گرچه بسیار محدود) برقرار شده است!

تیموتی گود با علم بر اینکه بطور حتم ادعاهای حیرت انگیز او را تحریف خواهند کرد اظهار می دارد «افراد بسیار محدودی در دولت و سازمانهای جاسوسی - اطلاعاتی آمریکا از تمام حقایق در این باره مطلع هستند. اطلاعات بسیار حساس درباره یوفاوها را معمولاً مسئولین در حد «تا آنجا که لازم است بدانی» نگاه می دارند، بدین معنی که فقط در دسترس افرادی که از لحاظ امنیتی در سطح تأییدیه بالائی قرار دارند (درجه بندی سطوح امنیتی در حد بالاتر از «فوق سری») بنا به ادعای تیموتی گود تا سی و هشت سطح مختلف ادامه دارد) گذارده می شود آنها نه تمام دانسته ها، او می گوید «با

1. Above Top Secret

2. Extra Terrestrial

فرض صحت این ادعا با کمال میل قبول دارم که افراد مطلع در سازمانهای اطلاعاتی خود نیز گاه از تنوع گزارشها و جنبه‌های گوناگون این پدیده دچار سرگیجه می‌شوند.»
بنظر او هنوز در سطوح بالا در مورد ماهیت برخوردهای نزدیک ابهام زیادی وجود دارد.» تیموتی گود سعی دارد جنبه‌های فرعی این پدیده مانند مسئله مثله شدن حیوانات یا حوادث عجیب ولی در عین حال مستدل و شورانگیز که برای شهودی در کلرادو اتفاق افتاده را بررسی کند گرچه اذعان دارد که «بسیاری از اینگونه اطلاعات و اخبار بحث‌انگیز ولی نگران کننده هستند».

او از بحث درباره پدیده بسیار مهم «ریوده شدن توسط بیگانگان فضائی» که موضوع مورد بحث ما در قسمت دوم این کتاب خواهد بود اجتناب می‌کند. بنظر تیموتی گود «داستانهایی که در این کتاب گرد آورده‌ام مرزهای باور انسانی را باندازه کافی گسترش می‌دهند». ضمن اینکه بجا است که با مقداری شك و احتیاط با مواردی از این قبیل برخورد کنیم نباید فراموش کرد که بسیاری از پدیده‌های تکنولوژیکی فعلی و اهداف بلند پروازانه انسانهای امروزی در تسخیر فضا که امروزه آنها را امری کاملاً بدیهی تلقی می‌کنیم در ابتدا با پوزخند و ناباوری کامل سایرین روبرو بوده‌اند. مثلاً سه سال قبل چه کسی می‌توانست باور کند که دیوار معروف برلین (مابین آلمان شرقی و غربی) در سال ۱۹۸۹ برچیده و هر دو آلمان متحد خواهند شد؟ حوادث روسیه شوروی را چه کسی می‌توانست تصور کند؟ تمایل طبیعی ما انسانها همیشه بدین منوال بوده که هرگاه اتفاقی شکوهمند رخ داده با ناباوری کامل در برابر آن واکنش نشان داده‌ایم. شاید به این دلیل که نمی‌خواهیم بنظر ساده لوح و زودباور برسیم و یا شاید بسادگی در رویارویی با فرضیه‌های ناآشنا گیج می‌شویم. اما من نه تنها اطمینان دارم بلکه پیش بینی می‌کنم که تا اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی فرضیه دیدار و آمد و شد موجودات غیرانسانی به سیاره زمین بعنوان يك حقیقت مسلم پذیرفته شده باشد.

تیموتی گود در فصول ششم و دهم کتاب خود عنوان می‌کند که دولت ایالات متحده آمریکا بارها تلاش ناموفقی کرده تا حداقل بعضی از جنبه‌های دیدار یوفاوها را

برای شهروندان خود بیان نماید. البته حتی در این رابطه هم دست از ریاکاری همیشگی خود برنداشت و آنچه را که افشا کرده آمیخته‌ای بود از حقیقت با اطلاعات کذب و گمراه کننده. واضح است که اگر حقیقتی وجود نمی‌داشت احتیاجی هم برای فریبکاری نمی‌بود. اما محققین با تجربه می‌دانند که چطور با دقت و موشکافی می‌توان از لابلای تمام این اکاذیب به واقعیت‌ها پی برد.

دولت آمریکا حتی از نیموتی گود دعوت کرد که در تلاش غیر مستقیم آن‌ها برای «نوعی» آگاهی دادن به مردم شرکت کند. او از این اقدام دولت نتیجه می‌گیرد که «شاید در برخی از مسئولین اشتیاق صادقانه‌ای وجود داشته باشد تا بعضی از مسائل را در این رابطه برای جامعه خود بیان کنند.» بنظر او اگر هنوز هم در این رابطه بی‌میلی خاصی از طرف آنها مشاهده می‌شود بیشتر به دلایل اقتصادی، سیاسی، مذهبی و ملاحظات جامعه‌شناسی می‌باشد. امید است که این افشاگری‌ها سبب شود تا مقامات رسمی آمریکا در آینده‌ای نه چندان دور تمامی اسناد محرمانه موجود در این زمینه را در معرض دید و قضاوت عامه قرار دهند.

از سونی دیگر ریموند فاوئر در کتاب «ناظران» که در حقیقت دنباله دو کتاب قبلی بنام «ماجرای بتی اندریسون - فاز اول و فاز دوم» است به حقایق و برداشتهای حقیقتاً اعجاب‌انگیزی می‌رسد و درباره اهداف و مقاصد احتمالی بیگانگان از فضا صحبت می‌کند که بگفته وایتلی استریبر «احساس می‌کنم که در مسیر حقیقی است». مسلماً بسیاری از نکات موجود در تئوری فاوئر نه تنها توسط یادآوری‌های بتی اندریسون بلکه توسط شهادت‌های افراد درگیر دیگر (منجمله تجربیات خود وایتلی استریبر) مورد تائید قرار می‌گیرد. مهم‌تر از اینها ساختار کلی تمامی دانسته‌ها و اطلاعاتی است که تا کنون از درون هزاران گزارش بدست آمده و همگی مؤید فرضیه فاوئر می‌باشند. اصولاً نتیجه‌گیری‌های او منطقی و در عین حال اعجاب‌انگیز است و از تمام سناریوهایی که توسط محققین و نویسندگان دیگر درباره پدیده یواف‌او و ربوده شدن انسانها توسط سرنشینان آنها نوشته شده (و تا بحال بعنوان چهارچوب فکری و ارشادی از مجامع

یوفولوژی معتبر بوده‌اند) بهتر با واقعیت‌ها تطبیق می‌کند. بنظر وایتلی استریمیر «فاولر احتمالاً بسیار به کشف کامل این راز که موجودات بیگانه از کرات دیگر در اینجا به دنبال چه هدفی هستند نزدیکتر شده».

ابتدای ماجرا، ریموند فاولر به بتی لوکا (اندرسون) اجازه می‌دهد که راهنمای او باشد. بدین معنی که، بجای اینکه برخی از جنبه‌های غیر قابل درک و فوق‌العاده غیر عادی موجود در تجربیات بتی (که او تحت تأثیر بازگشت به گذشته‌ها در حالت هیپنوتیزم بیاد آورده) را سانسور کرده و یا حذف کند و یا سعی داشته باشد بتی را شستشوی مغزی داده و به او بقبولاند که چون او نیز یکی دیگر از قربانیان سناریوی مشخص ربودن انسانها توسط موجودات بیگانه فضائی است گفته‌ها و خاطرات او در يك چهارچوب مشخص قابل قبول با ذهنی باز و پذیرا به گفته‌های بتی هرچند عجیب و غیر قابل درک گوش فرا می‌دهد.

بدینگونه است که داستانی (واقعیتی؟) بس حیرت‌انگیز ولی مالا شیرین، بنام «ناظران» را در پیش رو می‌یابیم که احتمالاً دقیق‌ترین توصیفی است از برخورد با بیگانگان فضائی. اگر حقیقتاً بیگانگان فضائی در میان ما حضور دارند می‌توان انتظار داشت که آنها موجوداتی فوق‌العاده عجیب در نظر ما باشند. به معنی واقعی کلمه عجیب‌تر از هر آنچه که قدرت تخیل ما قادر به تجسم آن است، همانطوریکه می‌توان از گفته‌های بتی به این واقعیت پی برده البته می‌توانیم به آسانی تمام توصیف‌های بتی از بیگانگان فضائی و «دنیائی دیگر» را بعنوان تراوشات تخیلاتی لجام گسیخته و تصوراتی به غلیان آمده مردود بدانیم که در این صورت این واکنش سطحی خود سئوالات عدیده‌ای را برای ما بوجود خواهد آورد.

بعنوان مثال، می‌خوانیم که در اولین رویداد، بتی و تمام اعضای خانواده‌اش در منزل بودند و همگی آنها نیز بیدار و هوشیار. پدر بتی اولین شخصی است که ورود این موجودات فرازمینی را به خانه خود دیده و در کمال حیرت مشاهده می‌کند که چگونه آنها از پنجره آشپزخانه بدرون منزل وارد می‌شوند. با عبور از میان پنجره بسته! درست

مثل اینکه پنجره‌ای وجود ندارد و یا از هوا ساخته شده! بدینگونه يك سری حوادث
اعجاب‌انگیز آغاز می‌شود ولی در ابتدا نه برای بتی بلکه برای پدر او.

در جلسات اولیه هیپنوتیزم بتی کلماتی را با زبانی ناشناخته ادا می‌کند. بنظر
می‌آید که او این کلمات را در مغز خود دریافت و عیناً بازگو می‌کند. درست مثل اینکه
يك دستگاه رادیو در مغز او کار گذاشته باشند که او به آن گوش می‌دهد. سالها کسی
نتوانست کلمات ادا شده را ترجمه کند، تا بالاخره زبان‌شناسی بنام لئونارد کین^۱ کشف
نمود که کلمات ادا شده توسط بتی بزبان محلی گالیک^۲ است. ترجمه این کلمات ثابت
می‌کند که منشاء آنها در خارج از ذهن بتی قرار دارد. چرا بیگانگان فضائی می‌باید
بزبان گالیک با بتی صحبت کنند خود بیشتر بر ابهامات می‌افزاید، ولی ترجمه پیام
اینست:

«فرزندان اقوام شمالی، شما در تاریکی‌های غیر قابل نفوذی قدم می‌زنید. مادران
شما سوگواری می‌کنند.» حتی اگر بتی بزبان محلی کالینگ آشنا می‌بود، که نیست، و یا
اگر او این جملات را بطریق بسیار مرموز يك فرآیند روانی بنام اکسنو گلوسی^۳ دریافت
می‌کرد می‌توانست ترجمه جملات او بنحوی قابل توجیه باشد. مثلاً بصورت يك پیام
مخفی یا پیش‌آگاهی پر قدرت یا يك اخطار، بهر حال مطلبی که بنحوی به نگرانی‌ها و
مصائب و تجربیات زندگی شخصی او مربوط می‌شد.

اما بجای این، پیام مملو از اشارات ضمنی نامشخص و مفاهیمی است که بطوری
مرموز گفته‌های سایر شهود را نیز تقویت می‌کند. وایتلی استریبر در بیان تجربیات خود
می‌نویسد «حوادثی که برای من اتفاق افتاد و من آنها را در دو کتاب «مشارکت»^۴ و
«تبدیل Transformation» بیان کردم حضور موجودی مونث و بسیار پراقتدار را در این
ماجراها نشان می‌دهد و بنظر من اشاره‌ای است به ذهنیات سمبولیک دریاره خدایان

1. Leonard Keane

2. Gaelic

3. Xenoglossy

4. Commuion

مؤنث دوران باستان و داستانهای اساطیری در مورد آنها. در بازگونی های بتی هم اشاراتی اسرارآمیز به وجود پر رمز و راز زنی وجود دارد: «مادر تو سوگواری می کند!».

تمام این مکاشفات حداقل يك نتیجه بسیار ملموس دارد و آن اینکه هیچکس - و کمتر از همه مدعیان حقیقت جوی انعطاف ناپذیر و خشک پدیده یوافاو - تا با امروز نتوانسته اند منشاء و ماهیت میهمانان فضائی را بدرستی شناسائی کنند. بجز حضور شهودی دیگر در مراحل آغازین تجربیات بتی و ماهیت و مفاهیم غیر قابل درک بعضی از گفته های وی يك جنبه ثانویه دیگر نیز در این بازگونی ها وجود دارد که از قدرت تخیل بسیار توانای او تراوش می کند. من (وایتلی استریبر) بعنوان يك نویسنده حرفه ای بخوبی با عملکرد قدرت تخیل بشر آشنا هستم. اگر آنچه را که بتی اظهار می دارد فقط ماحصل تخیل او می بود، الزاماً بتی می باید چیزی بسیار بیشتر از مخیله قوی داشته باشد. در اینصورت او از قدرت تخیلی با اهمیت تاریخی برخوردار است! و کمترین چیزی که می توان گفت این است که او دارای قوی ترین قدرت تخیلی است که تا به امروز در نژاد بشر دیده شده.

بسیاری از شهادت های عجیب او نمی توانند حاصل تخیلات باشند، زیرا بهیچ نحو نمی توانسته اند از زمینه های تجربیات بشری او نشئت گرفته باشند. بلکه برعکس بنظر می رسد که شهادت های او تکرار خاطرات بسیار غنی او از دنیائی دیگر باشند. دنیائی که بقدری با دنیای ما متفاوت است که تقریباً هیچ گونه تشابه و یا رابطه ای مابین آنها متصور نیست. اما با وجود این در این گفته ها معانی عمیقی نهفته است، و ارتباطی در معانی گفته ها.

اما ارتباطی در معانی گفته ها برای که؟، قطعاً نه برای من و شما!، و این راز ما را بسوی دلیل سومی که چرا من فکر می کنم تجربیات بتی واقعاً اصالت دارند راهنمایی می کند. در این گفته ها زمینه ای مخفی از رابطه با تجربیاتی دیده می شود که توسط سایر شهود نیز گزارش شده و ممکن نیست که این همسوئی بتواند از درون تخیلات سرچشمه بگیرد مگر اینکه بخواهیم ادعا کنیم که بطور گروهی دچار اوهام شده ایم.

حتی در اینصورت هم مشکل خواهد بود توجیه کنیم که چگونه می توانند جزئیات مرموزی از حوادث مختلف مشابه ولی توصیف کلی آنها تا به آن حد متفاوت باشند. در مفهوم وسیعتری می توان ادعا کرد که گزارشهای افراد درگیر متفاوت اما در عمل در جزئیاتی مرموز با هم شریک هستند. بسیاری از این جزئیات بندرت مورد بحث قرار گرفته اند. بارها تکرار شده که حداقل برخی از میهمانان فضائی صورتی شبیه به صورت انسان در اواخر زندگی جنینی دارند، اما با چشمانی سیاه رنگ و بمراتب درشت تر. فاولر برای این تشابه دلیلی ارائه می کند که در نظر اول بنظر بسیار عجیب ولی در عین حال قابل درک است.

شهود مختلفی گزارش کرده اند که بطور فیزیکی از زمین بهوا بلند کرده شده و یا حتی از میان دیوارها و پنجره های بسته عبور کرده اند، اما نه در حالت برون افکنی روح (درباره این مقوله در قسمت دوم کتاب مفصلاً بحث خواهد شد). آنها از گذشت زمان (به اصطلاح زمان گمشده) و آنچه که بنظر می رسد مسافرت به دنیاهای دیگر بوده خبر داده اند. نکته ای که در این توصیف ها بچشم می خورد این است که در این سفرها به آنها جامه های سفید رنگی داده شد تا بپوشند همچنانکه دیگران نیز در آن حالت پوششی مشابه داشتند. چطور ممکن است نکاتی چنین ظریف ولی مرموز از اذهان متفاوتی تراوش کند اگر بازتابی از واقعیتی مستمر که پایه های آن در تجربیات واقعی نهفته است نباشد، کسی چه می داند؟ بتی چنین جامه ای را بتن کرد همانطوریکه من نیز بتن کرده ام. (وایتلی استریبر).

گاه به ربوده شدگان اخبار و پیش آگاهی های نگران کننده ای داده می شود که همگی دلالت بر این دارند که بزودی در سطح جهان حوادثی بسیار وحشتناک بوقوع خواهد پیوست. آنها همچنین شاهد حوادثی می شوند که بشدت سمبولیک بوده و ماهیت اساطیری دارند. شهادت های بتی در این میان سمبولیک ترین وقایعی است که تا بحال گزارش شده.

تلفیق حوادث فیزیکی و محتویات روانی در این رویدادها این معنی را تداعی

می‌کند که گویی تجربه ملاقات با بیگانگان پدیده‌ای است که در عین اینکه به دنیای خارج از بدن فیزیکی ما مربوط می‌شود به درون مغز و ضمیر انسان نیز مربوط است. شاید این تضاد آشکار را در آینده هنگامیکه بهتر به عملکرد مغز انسان آشنا شدیم بهتر بتوان درک نمود. شاید هم این تضاد حقه‌ای عمده‌ای است و مجری آن مایل است رازی را که مربوط به کل بشریت است بنحوی پنهان نگاه دارد.

امروزه با استفاده از داروهای توهم‌زا، روش‌های هیپنوتیزم و شیوه‌های ایجاد ترس و وحشت در افراد، با حیرت درمی‌یابیم که تا چه حد می‌توانیم برداشتهای انسان را تغییر دهیم. در حین جنگ کره کارشناسان چینی توانسته بودند چنان مغز بعضی از اسرای آمریکائی را شستشو دهند که باور کنند بازجو کنندگان آنها (که جزو ارتش سرخ بودند) افسران آمریکائی هستند اما بدلیل وجود واقعیت کم‌رنگی که در نفس بازجویی از آنها خلاصه می‌شد کارشناسان موفق نشدند شستشوی مغزی را تا حدی به پیش ببرند که درک می‌کنند، آنها نمی‌توانند بطور کامل این واقعیت را که حادثه‌ای برای ما اتفاق افتاده از ضمیرمان بزدایند.

یکی از پیامدهای ملاقات با بیگانگان فضائی تغییر شکل ادراک ما است. در پی این تغییر شکل‌های تعددی از طرف آنها وحشت ایجاد شده در ما نیز واقعیت‌های موجود را عوض می‌کند - عاملی دیگر در این راستا، عدم توانائی ما برای درک و توصیف این رویدادها است.

مغز انسان همیشه در تلاش است که حوادث را طبقه‌بندی کرده و هر رویدادی را در محل خاص خود قرار دهد. اگر مغز نتواند درک کند که چه تجربه‌ای داشته، در آنصورت تلاش خواهد کرد آن را بنحوی تغییر شکل دهد که قابل درک باشد، مخصوصاً اگر احساس وحشت زیادی نیز بر آن مستولی شده باشد.

بعقیده من بتی اندرسون در یک نکته بین تمام شهود منحصر بفرد و شایسته احترام بسیار است. او از هر شخص دیگری که تا کنون پا به پیش گذارده تا تجربیات خود را بیان کند حقایق را بسیار کمتر تحریف نموده، حتی از خود من (وایتلی استریبر). ریموند

فاولر نیز با فکری باز به گفته‌های او گوش فرا داده تا بتواند آنها را عیناً برای ما همانطوریکه بوده بیان و ارزیابی کند.

چرا بتی توانسته چنین گزارشهایی پر محتوا و غنی از جهانی بما بدهد که تا با امروز حتی برای نظاره‌گرانی با معلومات بسیار خوب نیز بصورت مجموعه‌ای رنگارنگ ولی مبهم باقی مانده است؟ دلیل این توانایی ایمان راسخ او به خداوند است. بتی ایمان خالص و بسیار عمیقی به مسیح دارد که بسیار پاکتر و زیباتر از بقایای پیچیده اعتقاداتی است که بعنوان اصول گرانی مدرن در مسیحیت ارائه می‌شود. ایمان بتی واقعیتی است مسلم، باز و پر از محبت و عشق بی‌تابانه برای عیسی مسیح. قدرت ایمان او تا بحدی است که من باور دارم حتی در لحظاتی که غرور شخصی او با بی‌رحمی به مبارزه کشیده می‌شود او را حفظ می‌کند. در نتیجه او می‌تواند تجربیات خود را با همان دقتی که در توان او است بیاد بیاورد، بدون وحشت از آنچه که تجربه کرده.

او احتیاج ندارد اصول ایمانی خود را بر روی تجربیاتش قرار دهد و با این عینک به آنها نگاه کند تا امکان بقا داشته باشد. عشق بتی به عیسی مسیح و ایمان او به خداوند در برابر هر تجربه‌ای مقاوم است و او این را به خوبی می‌داند. بتی احتیاج ندارد تجربیات خود را در الفاظ بندیهایی در قالب ایمان خود دوباره تشکیل دهد. بنابراین او بصورت نظاره‌گری عالی درمی‌آید که می‌تواند با هر تجربه‌ای روبرو شود - بدون توجه به اینکه آن تجربه تا چه حد ممکن است خارق‌العاده باشد.

شاید این دلیل واقعی این حقیقت است که چرا توصیف‌های وی تا این حد خارق‌العاده هستند و چرا ری‌فاولر با بکارگیری آنها می‌تواند تا به این حد به اسرار پشت پرده در تجربیات بشر با میهمانان فضائی نزدیک شود. به رویدادی که در عین با شکوه بودن نادر و عظیم است. ما در سر آغاز نظاره به پس پرده توهمات هستیم که مدن‌ها در برابر ضمیر آگاه ما سدی عظیم بوجود آورده بودند. در پس این پرده و آن مکان تاریک نشانه‌هایی از حرکت و حیات دیده می‌شود. شاید ما حقیقتاً به «کارگاه» خلقت خداوندی نظر انداخته‌ایم که در اینصورت باید گفت «مهندسین» او درگیر خلقت

با شکوهی در رابطه با حیات جاودان ما انسانها هستند.

سخنان نهانی و ایتلی استریبر نشانه کفر و یا حقیر شمردن عظمت فوق تصور خداوند هر دو جهان نیست بلکه برعکس حاکی از گیجی و سردرگمی خود او است در برابر عظمت خلقت. او و مانند او فقط گوشه‌ای و نیم‌نگاهی به خلقت و اسرار آن، آنهم قطعاً با اذن و اراده خداوند دو جهان کرده‌اند و این چنین در اقیانوس بیکران جلال و شکوه خداوند غرق شده‌اند. سخن آخر اینکه میهمانان فضائی هر چه باشند خود نمونه‌هایی ناچیز دیگر هستند از قدرت بدون پایان خالق عوالم فیزیکی و ماورای فیزیکی. بتی در ادامه کتاب درباره ملاقاتش با آن موجود سراپا نور صحبت می‌کند که او را «The One» خوانده و من واژه «یگانه» را برای او برگزیده‌ام. آشکار است که «او» موجودی است الهی، رهائی بخش و نجات دهنده بشریت از منجلاب فساد و گمراهی که خود بوجود آورده. بهر حال توصیف بتی لوکا (اندریسون) از عالم دیگر و جسم دیگر ما انسانها بسیار منقلب کننده و در عین حال هشدار دهنده است. باشد که مطالعه این کتاب هر چند که جنبه‌های روحانی آنرا تماماً حذف کرده‌اند، چشمان دل ما را بنور خالق جهان، آن نور عظیم و بی‌نهایت منور کند.

دکتر داریوش ادیب، پائیز، ۱۳۷۰

Book review

by paul whitehead

این کتاب مرا نگران می کند. در این کتاب آخرین اطلاعات مربوط به بتی اندریسون بچاپ رسیده که چطور ظاهراً موجوداتی بیگانه بطور منظم از سن هفت سالگی به ملاقات او آمده اند، که چگونه آنها يك سری «پیام هائی» در مغز او انباشته اند که ظاهراً می بایستی در زمان های معین و حساس اعلام شده، و اینکه چطور آنها بنا به ادعا مشغول انجام يك سری آزمایشات ژنتیکی هستند تا بکمک آن نسل بشر را نجات دهند. به گفته نویسنده کتاب اینک زمان اعلام آن قسمت نهائی و تکان دهنده از پیام بیگانگان به بشریت فرا رسیده. پیامی که فقط می توان با روش هیپنوتیزم به دست آورد و اگر حقیقت داشته باشد واقعاً هشدار دهنده است.

این سومین کتاب درباره بتی اندریسون است و فاوولر اشاراتی دارد که ممکن است کتاب چهارمی هم نوشته شود. داستان بتی از مرز عجائب حیرت آور که سناریوهای عادی پدیده ربوده شدن قرار دارند نیز فراتر می رود. این داستان ما را با طرز فکر کلی درباره پارافیزیک که تعداد بسیار کمی از خوانندگان از آن مطلع هستند آشنا می کند. نسان هائی که به گلوله هائی از انرژی تبدیل می شوند که بصورت کراتی نورانی در داخل یوفاو وجود دارند در حالیکه بتی که خود نیز به انرژی خالص تبدیل شده

نظاره گر آنها است.

توصیف وقایعی که می توان بعنوان وقایع روحی یا مذهبی تلقی نمود، از جانب بیگانگانی که کنترل تمام این اوضاع را بدست دارند داستان را بسیار خواندنی و جالب می کند.

اینک خود نویسنده یعنی آقای فاوئر ادعا می کند که او را هم برای ربنوده شدن برگزیده اند و حتی در مأموریت اندریسون برای افشای دانش بیگانگان درباره وضعیت بشر به دنیای ما، او نیز شریک است. داستان اندریسون به تنهایی قدرت باور شخص را تا مرزهای آن بسط می دهد و در این حال اضافه کردن داستان دیگری از ربنوده شدن یعنی ماجرای خود نویسنده بنظر سهل انگاری و بی مورد می رسد.

بعضی از انگلیسی ها که مدتها به آنها توده های چرخان پلاسما^۱ یا جبهه های هوا بعنوان توجیه پدیده یوفاوها عرضه شده احتمالاً در برابر این کتاب قد علم خواهند کرد. که باعث تأسف خواهد بود زیرا این کتاب مطالب جالب بسیاری به محققین و افراد علاقمند به روانشناسی و پارا روانشناسی عرضه می کند.

بتی اندریسون یک مسیحی مؤمن است و فاوئر نیز اشاراتی دارد که او هم مؤمن به مسیح است. بنا بر این مسیحیان ممکن است از نتایج داستان این دو نفر شوکه بشوند، اما محققینی که درباره پدیده برون افکنی روح (اوبی ای) و حالت نزدیک به مرگ (ان دی ای) تحقیق می کنند بسیار هیجان زده خواهند بود.

توصیف بعضی از برخورد هائی که بتی داشته و پیام هائی که دریافت کرده بطرزی خاص شباهت به تجربه افرادی که موقتاً مرده! و پس از مدتی دوباره در گورستان زنده شده اند دارد. فاوئر این راز را می داند و بدین سبب می نویسد که بتی چندین تجربه «اوبی ای» داشته است.

چه وجه تشابهی مابین افرادی که در حالتی نزدیک به مرگ به ظاهر مرده اند و افرادی که کاملاً زنده ولی ربنوده شده اند وجود دارد؟

آیا پیام‌های داده شده مشابه «سومین قسمت راز»، پیامی است که به کودکانی در سال ۱۹۱۷ در فاتیما^۱ توسط نجسم مریم باکریه داده شد و از آن تاریخ بعد متن آن در یک صندوق‌های وانیکان نگاه داری شده؟

آیا تشابهی با پیام‌هایی که ظاهراً به افرادی که در جلسات ارتباط با دنیای دیگر و دریافت نوشتاری از ارواح شرکت می‌کنند وجود دارد؟ بعضی افراد وابسته به گروه‌هایی که باور دارند توسط قوای مافوق‌الطبیعه تسخیر شده و بدین شکل به اطلاعاتی محرمانه که توسط «خدایان» یا «بیگانگان» به آنها داده شده دسترسی پیدا کرده‌اند، سعی داشته‌اند که توسط روش‌های مخصوصی بخود یا «بیگانگان» تعانس برقرار کنند. این افراد بسیار مأیوس خواهند شد که دریابند بیتی اندر بسون بسیار زودتر از آنها در آنجا بوده‌است.

اما برگردیم به کتاب. در یک حادثه ربوده شدن، فرد ربوده شده خود را درون یک یواف او می‌یابد، شاید هم تحت «معاینات پزشکی» قرار می‌گیرد و بعد به او اطلاعاتی درباره وضعیت بشر و دنیای او داده می‌شود، این شخص بعداً گزارش می‌کند که توانایی‌های فوق‌طبیعی پیدا کرده و دیدگاه او نسبت به جهان تغییر نموده‌است.

اینک توجه خود را به تجربیاتی که انسان در مرز مرگ و زندگی در حالت ان‌دی‌ای بدست می‌آورد معطوف می‌نمائیم. حالت نمونه ان‌دی‌ای در آخرین مرحله حالت اوبی‌ای رخ می‌دهد. مارگوت گری^۲ در کتاب خود بنام «بازگشت از مرگ^۳» که توسط مؤسسه آرکانا بوکز - پنگوئن^۴ به چاپ رسیده نمونه‌های بسیاری را در این مورد ارائه داده. نمونه پیچیده‌ای از این نوع حوادث را نقل می‌کنم:

«مرا بعنوان فوت شده اعلام کرده و به قبرستان منتقل نموده بودند. البته من از این جریانات اطلاعی نداشتم، ولی بیاد می‌آورم که در سردخانه گورستان دوباره زنده شدم و

1. Fatima

2. Margot Grey

3. Return From Death

4. Arkana Books / Penguin

کارمند آن قسمت شوک وحشتناکی دریافت کرد».

«در تمام این مدت من تجربه‌ای کسب نمودم که مسیر زندگی‌ام را بکلی تغییر داد و بمن توانایی‌هایی فوق طبیعی بخشید. آگاهانه بیاد می‌آورم که در حال پرواز بر فراز جسد من به جراحانی که تلاش می‌کردند دوباره قلب مرا به کار اندازند نگاه می‌کردم. سپس به تونلی طویل و تاریک داخل و با سرعتی بسیار زیاد از آن عبور نمودم. بالاخره به سرزمینی با ساختمانهای بسیار زیبا پا نهادم». (بعضی‌ها به سرزمینی بسیار زیبا و برخی به ساختمانی قدم می‌گذارند). در آنجا نور زیادی وجود داشت. (در این مرحله بعضی‌ها این تجربه را دارند که افرادی آشنا را ملاقات کرده‌اند - افرادی که مدت‌ها است مرده‌اند. اما بعضی مواقع تجربه کننده حالت ان‌دی‌ای «موجوداتی» را ملاقات می‌نماید که «خدا» یا «مسیح» و یا ساده‌تر فقط بعنوان «موجوداتی از نور» شناسائی می‌کند. این دانش یا بطریق خارج از «قوای احساسی پنجگانه» (ای‌اس‌پی) یا توسط تبادل امواج انرژی که از «خدا» به تجربه کننده صادر می‌شود منتقل می‌گردد. این امواج یا ارتعاشات را می‌توان دید و به دریافت کننده اطلاعات مشخصی داد.

این اطلاعات بطور عجیبی مشابه پیام‌هایی هستند که به ربوده شدگان داده شده. به تجربه کننده این انتخاب داده می‌شود که در همانجا بماند یا دوباره به زمین مراجعت کند و یا اینکه به او دستور داده می‌شود که بازگردد و مأموریتی را به انجام برساند. (اما فرد ربوده شده فقط بازگشت داده می‌شود بدون اینکه به او حق انتخابی داده شده باشد). يك اظهار نظر نمونه اینگونه است «آنجا بقدری زیبا بود، که من نمی‌خواستم بازگردم». اما باید تأکید شود که این آرزوی يك فرد ربوده شده نیست. بدلیل اینکه آنها تحت هیپنوتیزم دچار فشارهای شدید روحی و حتی تحمل دردهای فیزیکی زیادی می‌شوند همانطوریکه بتی شده.

بتی از هنگامیکه يك کودک هفت ساله بوده و او و پدرش موجودات کوچک اندام خاکستری رنگی را دیده بودند که ضمن عبور از درون در ورودی منزل آنها او را با خود برده بودند (در ورودی منزل بسته بود!) تا هنگامیکه او زنی شده بود بالغ، تجربیات

«بسیار عجیب» فراوانی را تجربه کرده.

در قرون وسطی مسلماً او را به عنوان يك زن جادوگر و یا کافر مذهبی می سوزانیدند.

مورد بتی و همینطور موارد دیگر افراد ربوده شده برای ما نوعی مبارزه طلبی بشمار می آید. حالت ان دی ای مدتها است که موضوع تحقیقات بیشماری قرار داشته و هنوز هم می باید تحقیقات بسیاری در این مورد صورت گیرد. اما اگر همانطوریکه فاولر حدس می زند، تجربه های ربوده شدن و ان ای دی در «سطح دیگری از موجودیت» روی دهد چه بخشی از علم می باید درگیر بررسی آن شود؟

تغییراتی در برداشتهای جامعه علمی در مورد بعضی از جنبه های این موضوع روی داده ولی فاولر اظهار نظر می کند که:

«اگر خاطرات بیاد آورده شده افراد ربوده شده توسط یواف او مانند بتی واقعاً انعکاس حوادث فیزیکی باشند، باید اعتراف کرد که درك ما از واقعیات بسیار محدود است. در اینصورت می توان ما را با حیوانات پستی مقایسه کرد که جریان حیات را به همان اندازه که محدودیت های فیزیکی و توانائی های روحی آنها اجازه می دهد درك می کنند. این گونه حیوانات نسبت به دنیای همزیستی بشر و تکنولوژی او کاملاً بی توجه هستند... قوائی که در پشت پرده یواف اوها فعالیت می کنند ظاهراً در سطح آگاهی بی نهایت بالاتری از بشر قرار دارند، سطحی که ما مانند بتی توسط تجربیاتی تازه شروع به درك آنها نموده ایم.»

این کتاب نه تنها درباره ربوده شدن ها است، بلکه درباره هیلکویتراهای بی صدا و بدون نشان مردان سیاه پوش، جزئیات بسیار دقیقی از وقایع (و نقاشی ها - بتی دارای يك حافظه تصویری عالی و استعداد نقاشی فوق العاده ای است) یواف اوها چه درون و چه بیرون آنها، تراژدی غم انگیز بزرگی برای بتی، و نیز کار تحقیقاتی دقیقی با جزئیات اثبات شده مانند زمان و مکان بعضی از رویدادهای بسیار عجیب و گیجی و سردرگمی خوانندگان است.

من قضاوت را به عهده شما می گذارم.

پاول وایت هد

سپتامبر ۱۹۹۱

سردبیر مجله FSR در پایان این اظهار نظر درباره کتاب «ناظران» می نویسد:

«سالها است که من در مقالاتی در FSR نوشته و تأکید کرده ام که تا کنون کوچک ترین دلیلی برای اینکه انسانی هرگز با بدن فیزیکی به درون یک یوفاو برده شده باشد یافت نشده و تنها توجیهی که برای این گونه موارد موجود است، این است که آنها را از بدن فیزیکی «بیرون آورده اند» و بصورت اثیری^۱ یا ستاره ای^۲، روحی و یا بدنهای تابناک و یا هر چیز دیگری که این حالت را بنامید برده اند (حداقل ده واژه مختلف برای این حالت بخصوص در زمان های مختلف مورد استفاده قرار گرفته) تا دیداری با این موجودات مرموز که ظاهراً از واقعیتی کاملاً بیگانه و متفاوت (که احتمالاً از همین جا است) بسراغ ما می آیند، داشته باشند.»

گوردن کرایتون